

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۱۸ می ۲۰۱۳

سیاست های فاشیستی حکومت اسلامی ایران علیه افغان ها و کشتن کارگران افغان در مرزها!

۲

شایان ذکر است که در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ توسط نیروهای امریکائی با نام رسمی عملیات بلندمدت آزادی (Operation Enduring Freedom)، با توجیه حمله القاعده به رهبری اسامه بن لادن به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ و هشدار جورج دبلیو بوش رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا به گروه طالبان مبنی بر اخراج گروه تروریستی القاعده از افغانستان و رد طالبان از این درخواست؛ آغاز شد. به دنبال خودداری طالبان از پذیرش خواست امریکا، فرمان حمله به افغانستان در روز ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱ صادر شد. بریتانیا، از سال ۲۰۰۲، فعالیت های نظامی مستقل خود را آغاز کرد. هدف اصلی این جنگ، مبارزه و از بین بردن القاعده، طالبان و حامیان آن بود. تقریباً یک ماه بعد حکومت طالبان سقوط کرد و با برگزاری کنفرانس بن، حامد کرزی به قدرت رسید و در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به مقام ریاست جمهوری برگزیده شد.

از آن تاریخ تاکنون، مردم افغانستان زیر بمباران های ناتو و جنگ طالبان و نیروهای نظامی حکومت افغانستان، همواره قربانی می دهند و گرفتار جنگ و ترور و وحشت تروریست های دولتی و غیردولتی شده اند.

برخی گزارشات حاکی ست که حتی گفت و گوهای پایان دادن به جنگ در افغانستان شامل مذاکرات گسترده رودرو با فرماندهان طالبان از بالاترین رده های رهبری این گروه بوده که به طور مخفیانه در حال ترک پناهگاه هایشان در پاکستان با کمک سربازان ناتو هستند.

این مذاکرات که برخی از آن ها در کابل انجام شده بین حلقه داخلی حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان و اعضای شورای کویته، گروه رهبری که روی جنگ طالبان در داخل افغانستان نظارت دارد، انجام می شود.

مقامات افغان، تاکنون مذاکراتی را با رهبران شبکه حقانی که به عنوان یکی از افراطی ترین گروه های شبه نظامی فعال در افغانستان به حساب می آید، انجام داده اند. هم چنین با اعضای شورای پیشاور که نیروهایش در شرق افغانستان مستقر هستند، مذاکره کرده اند.

به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، رهبران طالبان افغان که به منظور گفت و گو به افغانستان می‌آیند، پناگاه‌های خود در پاکستان را با تضمین علنی مبنی بر این که مورد حمله یا دستگیری نیروهای ناتو قرار نخواهند گرفت، ترک کرده‌اند.

بسیاری از رهبران بلندپایه طالبان در پاکستان، ساکن هستند جایی که گمان می‌رود دست کم از قدری حفاظت رسمی برخوردار هستند. به گفته یک افغان آگاه به گفت و گوها، دست کم در یک مورد رهبران طالبان از مرز عبور کرده و سوار یک هواپیمای ناتو به مقصد کابل شده‌اند.

در دیگر موارد، سربازان ناتو مسیرها را ایمن کرده تا مقامات طالبان بتوانند به مناطق تحت کنترل نیروهای افغان و ناتو دسترسی پیدا کنند تا بتوانند در مذاکرات حضور پیدا کنند. بیش تر این مذاکرات در اطراف کابل انجام شده است.

مقام های امریکائی نیز اعلام کرده اند که گفت و گوها بین رهبران افغان و طالبان در حال انجام است اما رده این شبه نظامیان، میزان تلاش‌های ناتو برای تأمین انتقال و امنیت آن ها مشخص نیست.

به گفته مقامات افغانستان و یک دیپلمات سابق در منطقه، دست کم چهار رهبر طالبان که سه تن از آن ها از اعضای شورای کویته و یکی از آن ها یک عضو خانواده حقانی هستند در این گفت و گوها شرکت داشته اند. هویت رهبران طالبان، بنا به درخواست کاخ سفید و یک مقام افغان که در مذاکرات حضور داشته منتشر نشده است.

این مقام افغان، اظهار کرد که معرفی این افراد می‌تواند به مرگ آن ها یا بازداشت شدن توسط فرماندهان رقیب طالبان یا مأموران اطلاعاتی پاکستانی که از آن ها حمایت می‌کنند، بینجامد.

گفته می‌شود ملا عمر، رهبر طالبان به طور علنی از این گفت و گوها کنار گذاشته شده که بخشی از دلیل آن به خاطر نزدیکی او با سرویس‌های امنیتی پاکستان است. برخی افغان هائی که سعی کرده‌اند در مذاکرات شرکت کنند یا حتی گفت و گوهای گذشته را تسهیل کنند توسط هم گروه های خود در طالبان و گاهی با کمک آژانس اطلاعات پاکستان (ISI) کشته شده اند.

این مذاکرات هنوز در سطح مقدماتی توصیف می‌شوند که بخشی از آن به خاطر این است که مقامات افغان و امریکائی در تلاش برای تعیین میزان نفوذ رهبران طالبان حاضر در مذاکرات در سازمان‌های متبوع شان هستند. با این وجود این گفت و گوها در چندین زمان مختلف انجام شده و به نظر می‌رسد که اساسی‌ترین تلاش تاکنون برای مذاکره به منظور پایان دادن به جنگ یک دهه افغانستان بوده که با جنگ تحت امر امریکا برای سرنگونی طالبان پس از حملات ۱۱ سپتمبر آغاز شد.

قرار است نیروهای ناتو در سال ۲۰۱۴، افغانستان را ترک کنند. امریکا و هم فکرائش و حکومت کرزی، نگرانند که پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان، دولت کرزی سقوط کند و جنگ داخلی با شدت بیش تری آغاز شود.

«بیان کویته»، فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل در افغانستان، گفته است: «جامعه جهانی در کنار افغانستان است و اجازه نخواهد داد با شرایط ناگواری که از سوی گروه‌های مختلف پیش بینی می‌شود، روبه رو شود.» دولت افغانستان هم می‌گوید ارتش و پولیس این کشور «در حال حاضر بیش تر عملیات دفاعی را به صورت مستقل اجراء می‌کنند.»

سرانجام مقامات امریکائی و افغان پس از سال ها بحث و مذاکره، در دوم ماه می ۲۰۱۲ - سیزدهم ثور ۱۳۹۱، توافق نامه ستراتژیک امضاء کردند. این توافق‌نامه ده ساله است و پس از خروج نیروهای امریکا و ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ نهائی می‌شود.

مقام‌های افغان، این موافقت نامه را سندی خوانده اند که «بنیادی قوی برای امنیت افغانستان، منطقه و جهان فراهم می‌کند و سندی برای توسعه منطقه است.» بارک اوباما، این موافقت‌نامه را سندی توصیف کرد که براساس آن «افغان‌ها خود مسؤول حفظ امنیت شان می‌شوند.»

این توافق نامه، در سال روز مرگ «اسامه بن لادن» رهبر شبکه القاعده و در کاخ ریاست جمهوری افغانستان، از سوی بارک اوباما و حامد کرزی رؤسای جمهوری امریکا و افغانستان امضاء شد.

توافقنامه ستراتژیک میان افغانستان و امریکا با حضور بارک اوبا در کاخ ریاست جمهوری افغانستان در کابل به امضاء رسید شامل هشت بخش است. متن کامل توافقنامه ستراتژیک میان امریکا و افغانستان که در نیمه شب سه شنبه به وقت کابل در کاخ ریاست جمهوری با حضور بارک اوباما و حامد کرزی به امضاء رسید ...

در بخش «اول: دیباچه» این موافقت نامه آمده است: «دولت جمهوری اسلامی افغانستان (از این پس افغانستان) و دولت ایالات متحده امریکا (از این پس ایالات متحده) از سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰ هجری شمسی) بدین وسیله در همکاری نزدیک به منظور دفع تهدیدهای متوجه صلح و امنیت جهانی و به هدف کمک به مردم افغانستان برای تأمین آینده با امن، دموکراتیک و شکوفا، قرار داشته اند که حاصل آن امروز قرار گرفتن افغانستان در مسیر خودکفائی پایدار در امنیت، حکومت داری و توسعه اجتماعی و اقتصادی، و همکاری سازنده در سطح منطقه می‌باشد.»

در «بخش سوم: تحکیم امنیت درازمدت» نیز آمده است:

... «ج. اجرای عملیات جاری نظامی بر اساس چارچوب‌هایی که شامل تفاهم نامه انتقال بازداشتگاه‌های ایالات متحده (منعده ۲۰۱۲ «۱۳۹۰») و یادداشت تفاهم افغان ساختن عملیات خاص (منعده ۲۰۱۲ «۱۳۹۱») می‌شود، تا زمانی ادامه می‌یابد که این چارچوب‌ها توسط «موافقت نامه دوجانبه امنیتی» یا تدابیر دیگر، به موافقه طرفین جایگزین گردند. این تعهد بر وضعیت، تعهدات و تفاهمات شامل چارچوب یاد شده در بالا، تأثیرگذار نمی‌باشد.

۳. ایالات متحده به منظور کمک در ایجاد یک چارچوب درازمدت همکاری های دوجانبه امنیتی و دفاعی، افغانستان را به عنوان «متحد عمده خارج ناتو» تلقی می‌نماید.

... د. طرفین هم چنان از کشورهای عضو ناتو می‌خواهند تا با اتخاذ اقدامات عملی برای تطبیق «اعلامیه همکاری‌های دراز مدت بین ناتو و دولت جمهوری اسلامی افغانستان» منعقد در نومبر سال ۲۰۱۰ (عقرب سال ۱۳۸۹) جلسه ناتو در لیسبون، توانائی های امنیتی افغانستان را پس از سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) تداوم و بهبود بخشند.

۶. افغانستان به منظور مبارزه با القاعده و وابستگان آن، آموزش نیروهای امنیتی ملی این کشور، و اجرای سایر مأموریت‌هایی که برای تحکیم منافع مشترک امنیتی از سوی طرفین تشخیص می‌گردند، تداوم دسترسی قوای ایالات متحده به تأسیسات افغانستان و استفاده از آن تأسیسات را الی سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) میسر می‌سازد و پس از آن طوری که در «موافقت نامه دوجانبه امنیتی» مورد توافق واقع شود، عمل خواهد شد.»

«بخش هشتم: احکام نهائی»: «۱. این موافقت نامه بعد از آن نافذ می‌گردد که طرفین از مجرای دیپلماتیک در مورد تکمیل شرایط قانونی داخلی شان که به منظور انفاذ این موافقت نامه الزامی می‌باشد، به یک دیگر اطلاع بدهند. این موافقت نامه تا پایان سال ۲۰۲۴ میلادی (سال ۱۴۰۴ هجری شمسی) دارای اعتبار است. طرفین می‌توانند با موافقت کتبی مشترک، شش ماه قبل از تاریخ انقضا، این موافقت نامه را برای یک دوره دیگر طبق توافق قبلی تمدید نمایند. این موافقت نامه می‌تواند با موافقت کتبی هر دو طرف در هر زمانی تعدیل یا فسخ گردد و هر یک از

طرفین می تواند در مورد تصمیمش برای فسخ این موافقت نامه یادداشت کتبی ارائه نماید، که در آن صورت این موافقت نامه برای مدت یک سال پس از ارائه این یادداشت اعتبار دارد.»

این توافق نامه به سادگی نشان می دهد که امریکائی ها، برای مهمانی به افغانستان نیامده بودند تا پس از پایان آن برگردند. از این رو، با امضاء این توافق نامه، کشور افغانستان به یکی از پایگاه های جدید حکومت امریکا در منطقه تبدیل می شود.

کرزی رئیس جمهور افغانستان، قبل از امضای این توافق نامه گفته بود که ایالات متحده امریکا می خواهد بعد از سال ۲۰۱۴، نه پایگاه در افغانستان داشته باشد. به گفته او، افغانستان در صورتی که شرایطش برآورده شود، به این درخواست ایالات متحده امریکا موافق است.

حامد کرزی که در مراسم هشتادمین سال روز تأسیس دانشگاه کابل سخنرانی می کرد، گفت که رابطه افغانستان با ایالات متحده امریکا و کشورهای عضو ناتو بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی «به خیر افغانستان است.»

کرزی گفت: «اول همه کشورهای ناتو گفتند که در سال ۲۰۱۴ از افغانستان می رویم، حالا یکی یکی می آیند و می گویند که ما نمی رویم و می مانیم. ما هم چون می فهمیم که نمی روند، پای خود را محکم کرده ایم که ما از خود گپ (شرایط) داریم.»

در واقع پس از ده سال جنگ و کشتار در افغانستان، رسماً «دولت جمهوری اسلامی افغانستان» با شرط ماندگاری بخشی از نیروهای امریکائی در این کشور پس از خروج نیروهای ناتو در سال ۲۰۱۴، به مردم افغانستان و جامعه جهانی اعلام شد؟! بنابراین، به کار بردن واژه هائی چون «دموکراتیک و شکوفا» در کنار «دولت اسلامی» در این موافقت نامه، بی معنی و خالی از حقیقت می باشد.

برخی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان در همکاری با برخی نیروهای داخلی این کشور به ویژه حلقه های نزدیک به حاکمیت، سوده های کلانی از منبع قاچاق تریاک افغانستان به جیب می زنند. در حالی که اشغالگران در حمله به افغانستان از جمله ادعا کرده بودند که جلو کشت خشخاش و قاچاق تریاک در این کشور را خواهند گرفت. اکنون آمارها و واقعیت ها نشان می دهد که نه تنها چنین اقدامی صورت نگرفته، بلکه زمین های زیر کشت خشخاش نسبت به گذشته افزایش یافته است.

کشت خشخاش در افغانستان، ۱۵۴/۰۰۰ هکتار را در سال ۲۰۱۲ تحت پوشش قرار داد، که بر اساس گزارش بررسی تریاک افغانستان (۲۰۱۲)، که توسط وزارت مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) منتشر گشته ۱۸ درصد از ۱۳۱,۰۰۰ هکتار ثبت شده برای سال پیش بیشتر است. با این حال از آن جا که بیماری های گیاهی و آب هوای بد به محصولات آسیب زده بود، پتانسیل تولید تریاک با ۳۶ درصد کاهش در مدت مشابه از ۵۸۰۰ تن به ۳۷۰۰ تن رسید.

با وجود افزایش قابل ملاحظه ۱۵۴ درصدی «تلاش های؟!» دولت برای نابود کردن محصول (بیش از ۹۶۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۲ در مقایسه با ۳۸۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۱ نابود شد) کشت افزایش پیدا کرده است. تعداد ولایت های عاری از خشخاش بدون تغییر هم چنان ۱۷ ولایت است با این تفاوت که ولایت غور در غرب جایگاه خود را در ۲۰۱۲ از دست داده و ولایت فاریاب در شمال آن را به دست آورده است.

مدیر اجرائی دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد، یوری فوتوف، گفته است «قیمت بالای تریاک عامل اصلی است که منجر به افزایش کشت گردیده است» و خواستار «تلاش مداوم توسط دولت افغانستان و شرکای بین المللی برای رسیدگی به کشت غیرقانونی با رویکردی متعادل بین اقدامات توسعه و انتظامی» شد.

سال ۲۰۱۲ شاهد تمرکز ۹۵ درصدی کاشت در ولایت های جنوبی و غربی که در آن عدم امنیت و جرایم سازمان یافته وجود دارد، بود: ۷۲ درصد در ولایت های هیلمند، قندهار، اروزگان، دای کندي و زابل در جنوب، و ۲۳ درصد در ولایت های فراه، هرات، و نیمروز در غرب. بر اساس این بررسی این مطلب ارتباط بین ناامنی و کاشت تریاک که از سال ۲۰۰۷ مشاهده شده است، را تأیید می نماید.

کاشت در هیلمند، ۱۹ درصد افزایش داشته است که با بیش از ۷۵/۱۰۰ هکتار حدود نیمی از کشت در افغانستان است. با این حال در منطقه غذایی هیلمند که ۴۲/۰۰۰ کشاورز در طی فصل کاشت خشخاش حمایت های کشاورزی دریافت کردند به طور نسبی میزان کم تری خشخاش کشت شد. فدوتوف، گفته است: «در صورتی که می خواهیم به جوامع کشاورزی فقیر کمک نمائیم از خودشان حمایت کنند باید بهبود وضعیت زندگی، از جمله امنیت بهتر و حاکمیت قانون باید در هیلمند و سراسر کشور تشویق شود.»

در منطقه شرقی، در کنار آن که کشت افزایش قابل ملاحظه ای داشته است (۱۲۱ درصد)، کاپیسا (۶۰ درصد) و لغمان (۴۱ درصد). با این حال، ولایت های شرقی تنها ۴ درصد تولید کلی افغانستان در سال ۲۰۱۲ را به خود اختصاص دادند. در شمال، با وجود ریشه کنی ۲۵۲ هکتار در سال ۲۰۱۲ کشت تریاک ۱۰ درصد در بغلان افزایش داشته است. بدخشان تنها ولایت شمال شرقی بود که با وجود ۱۷۰۰ هکتار ریشه کن شده افزایش کشت داشت (۱۳ درصد). در کابل، تنها ولایت مرکزی کشت کننده خشخاش، کشت تا ۴۵ درصد کاهش داشته است.

خبرنگاران شبکه سی ان ان، در آخر ماه جوزای ۱۳۹۰، که همراه با مأموران وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان به نواحی دور افتاده بدخشان سفر کرده اند می نویسند که در این بخش از خاک افغانستان طالبان مشکل چندان نیست. مسأله اصلی تجارت تریاک و سایر فرآورده های این ماده مخدر است که سال ها منبع اصلی درآمد در افغانستان بوده است.

جنگ و حضور نیروهای خارجی در حال حاضر حدود دو سوم از پول در گردش در اقتصاد افغانستان را تأمین می کند. زمانی که پول ناتو متوقف گردد قاعدتاً منبع دیگری باید جایگزین آن شود. تجارت تریاک یک پاسخ سهل است و معمولاً همراه با آن جنگ سالاران و نگرانی ها از احاطه قاچاق مواد مخدر بر قدرت سیاسی در افغانستان دوباره باز خواهد گشت.

نیروهای بین المللی تحت فرمان ناتو، برای مدتی مبارزه با دست اندرکاران این تجارت را کاهش دادند با این توجیه که ایجاد تخاصم و دشمنی ناشی از این سیاست مبارزه اصلی آن ها را که با طالبان است، دشوارتر خواهد کرد. ولی امسال وضعیت به یک دلیل تفاوت دارد.

به گفته مقامات دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد در افغانستان، قیمت مواد مخدر سه برابر شده و به این خاطر احتمالاً میزان کشت و برداشت خشخاش امسال چنان گسترده خواهد بود که تاکنون هیچ گاه سابقه نداشته است.

ژان لوک لماهیو، مسوول دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در افغانستان، می گوید: «بدون تردید میزان کشت و برداشت خشخاش امسال تمام رکوردهای سابق را خواهد شکست. به این خاطر کسانی که از این تجارت نفع می برند یعنی قاچاقچیان که لزوماً جزو مخالفان و نیروهای شورشی نیستند، برای تداوم این عملیات پر سود و خشونت بار انگیزه بیش تری خواهند داشت.»

خبرنگاران شبکه خبری سی ان ان، می نویسند که این تغییر در بدترین شرایط برای افغانستان روی می دهد. با وجودی که بخش اعظم پول حاصل از تجارت مواد مخدر وارد بازار سیاه افغانستان می شود درصدی از آن نیز به نیروهای شورشی می رسد.

در ماه جنوری سال ۲۰۱۰، یک مقام اداره مبارزه با مواد مخدر امریکا اعلام کرد که شبکه القاعده سال هاست که در کشورهای غرب افریقا از قاچاقچیان مواد مخدر که کوکائین کلمبیا را به اروپا حمل می کنند، حق حساب می گیرد.

طبق پیام ها و اسناد دیپلماتیک دولت امریکا که توسط وب سایت «ویکی لیکس» منتشر شده است هنوز هم اعانه و کمک های مالی محافل سنی و تندرو عربستان سعودی بزرگ ترین منبع تأمین مالی القاعده هستند. مقامات مالی و امنیتی امریکا پس از حوادث یازده سپتمبر سال ۲۰۰۱ به عربستان سعودی فشار آوردند که منابع مالی القاعده را در آن کشور نابود کند ولی به نظر می رسد که از آن زمان تاکنون هیچ تغییری روی نداده و به گفته مقامات امریکائی دولت عربستان نیز خلاف وعده های خود اقدام مؤثری در این زمینه انجام نداده است.

پولیس پاکستان در سال ۲۰۰۹ گزارش داد که نهادهای به اصطلاح خیریه عربستان هنوز هم به گروه هائی مثل القاعده، طالبان و لشکر طیبه کمک مالی می دهند. طبق این گزارش در سال ۲۰۰۹ حدود ۱۵ میلیون دالر کمک از سوی این نهادها به گروه های تروریستی پاکستانی داده شده است از جمله گروه هائی که مسوول حملات انتحاری و ترور بی نظیر بوتو نخست وزیر سابق آن کشور هستند.

در ماه مه ۲۰۱۰ نیز یک رسانه مستقل در عراق بر اساس اسناد دولتی عربستان سعودی که به بیرون درز کرده بود مدعی شد که دولت عربستان هنوز هم با پول و ارسال اسلحه از شاخه القاعده در عراق حمایت می کند.

روزنامه «سندی تایمز» در ماه می سال گذشته بخشی از گزارش اداره اطلاعات مالی دولت افغانستان را منتشر کرد که نشان می داد از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ حداقل یک میلیارد و پانصد میلیون دالر از عربستان سعودی به داخل افغانستان منتقل شده است و به احتمال فراوان بخش اعظم آن در اختیار گروه طالبان قرار گرفته است.

کارشناسان امریکائی تأکید کردند شبکه های جاسوسی امریکا و انگلیس در کانون شبکه جهانی قاچاق مواد مخدر قرار دارند و از پول حاصل از این شبکه برای فعالیت های خود در کشورهای مختلف بهره می گیرند. به گزارش شبکه تلویزیونی پرس تی وی، قاچاق مواد مخدر در جهان پدیده ای بسیار جدی و گسترده است. برآوردها نشان می دهد ارزش مواد مخدری که در هر سال قاچاق می شود حدود پانصد میلیارد دالر است. مبالغ حاصل از این کار از طریق شیوه های مختلف پولشویی وارد چرخه مالی جهان می شود. نکته جالب توجه این که دستگاه های اطلاعاتی امریکا و انگلیس یعنی سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) و دستگاه اطلاعات خارجی انگلیس یعنی ام آی-۶ در این فرایند دست دارند.

در حال حاضر میزان مصرف هروئین جهان حدود سیصد و چهل تن است. هر سال حدود چهارصد و سی تا چهارصد و پنجاه تن هروئین وارد بازار جهانی قاچاق این ماده می شود.

استفن لندمن نویسنده امریکائی، در این باره گفته است:

«کابل پایتخت مواد مخدر جهان نیست بلکه واشنگتن و نیویورک است زیرا مسوولیت اصلی قاچاق مواد مخدر متوجه امریکا است. واشنگتن و نیویورک در کانون شبکه جهانی قاچاق مواد مخدر در جهان هستند. بانک های بزرگ امریکا در این زمینه دخالت دارند. دولت امریکا نیز در این زمینه درگیر است. شرکت های بزرگ امریکائی و سازمان سیا و مافیای جهانی در شبکه جهانی قاچاق مواد مخدر نقش دارند.»

دین هندرسون نویسنده کتاب نفت بزرگ و بانکداران آن ها در این باره گفت:

«دولت کلمبیا با همکاری سازمان سیا، مواد مخدر را از امریکای لاتین به داخل امریکا قاچاق می کند. شرکت های نفتی بزرگ امریکا نیز با این روند همکاری دارند. کنگره امریکا تلاش هائی برای مقابله با این رویه صورت داده است اما سازمان سیا این تلاش ها را دور زده است. برگ های گیاه کوکا که از آن برای تولید کوکائین استفاده می شود از کشورهای همانند بولیوی به بیرون از این کشور قاچاق می شود تا فرآوری های نهائی روی آن انجام شود. گروه های شبه نظامی همانند فارک در این رویه نقش دارند.»

بر اساس برخی گزارشات، بزرگ ترین شبکه مافیائی فروش مواد مخدر در ایران، در حقیقت تحت کنترل مقامات بلندیایه دولتی حکومت اسلامی ایران، به خصوص سپاه پاسداران، قرار دارد. در افغانستان نیز کسانی مثل ولی کرزی برادر حامد کرزی و فهیم معاون اول کرزی در رأس بزرگ ترین شبکه های قاچاق مواد مخدر در افغانستان قرار دارند. این شبکه های قاچاق مواد مخدر در دو کشور کارشان را در همکاری با یکدیگر پیش می برند.

ارزش سالانه تولید تریاک افغانستان، حدود ۲ میلیارد دالر است که به تنهائی تولید ۹۲ درصد این ماده افیونی را در سطح جهان در اختیار دارد و مقدار پول در گردش مواد مخدر هم در جهان ۶۰ میلیارد دالر تخمین زده می شود ریشه دار شدن اقتصاد سیاسی مواد مخدر و در هم تنیدگی تریاک با خشونت و جنگ، سهم نزدیک به ۴۰ درصد مواد مخدر در تولید ناخالص داخلی، ناامنی و تروریسم، افزایش افراد فقیر به ۹ میلیون نفر، آمار بالای مرگ و میر مادران و کودکان، افزایش کودکان کار و خیابانی، نرخ بی کاری ۴۰ درصدی، افزایش فساد در ادارات دولتی و سرانجام بحران کابل بانک به دلیل فساد عمیق و سازماندهی شده در درون دولت، نمونه هائی است که سال های اخیر و به خصوص سال گذشته را به یکی از دشوار ترین سال ها به لحاظ اقتصادی برای افغانستان تبدیل کرده است.

نگاهی به بعضی از بحران هائی که در سال گذشته و یا سال های پیش از آن در افغانستان اتفاق افتاد حاکی از روند فلاکت اقتصادی و سیاسی و جنگی در این کشور است. سال گذشته میلادی، سقوط کابل بانک و اختلاس بیش تر از ۹۰۰ میلیون دالر از سرمایه آن توسط مدیران بانک و افراد نزدیک به حاکمیت، رکورد بزرگ ترین بحران اقتصادی را برای این کشور رقم زد. این بحران باعث شد صندوق بین المللی پول و بعضی از کشورهای کمک کننده، کمک های شان به افغانستان را در سالی که گذشت به حالت تعلیق بیاورند. تعلیق این کمک ها، هرچند برای مدتی کوتاه، تأثیرات مخربی را بر اقتصاد افغانستان به جا گذاشت و بحرانی عمیقی در افغانستان به بار آورد. در واقع این بحران، جدی ترین بحران اقتصادی بود که اقتصاد ضعیف و شکننده افغانستان را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

هم چنین این بحران سبب شد که ارزش پول افغان تنزل پیدا کند به طوری که این بحران، ثبات سیاسی را متزلزل ساخت و بار دیگر اعتماد برای سرمایه گذاری نیز کاهش یافت. در سال ۲۰۱۲، میزان افراد فقیر در افغانستان به ۹ میلیون نفر افزایش یافت که در مقایسه با چند سال قبل ۴ میلیون افزایش را نشان می دهد. در آمارهای متفاوت در عرصه بی کاری، از کلیه نیروی کار فعال در افغانستان، بین ۴۰ تا ۷۰ درصدشان بی کار است. نهایتاً حکومت افغانستان، در ردیف فاسدترین حکومت ها قرار دارد.

در حال حاضر، ناتو ۱۷۰ هزار نیروی نظامی و ۱۰۰ هزار نیروی امنیتی و دفاعی حکومت افغانستان در عرصه نظامی فعالند اما با این وجود در تأمین امنیت خود و مردم این کشور، عاجز و مانده شده اند. بنابراین، آینده افغانستان، هم چنان تیره و تار است. از این رو، مردم این کشور، طبق کنوانسیون ژنو و دیگر معاهده های جهان

شمول بین المللی، حق دارند که در کشورهای دیگر از حق پناهندگی سیاسی برخوردار گردند. اما متأسفانه اگر حکومت اسلامی در مرزها این انسان های دردمند را وحشیانه به گلوله می بندد، می کشد و یا به آن ها پس از دهه ها کار و زندگی در ایران، اقامت نمی دهد و با برخوردهای وحشیانه فاشیستی اخراج می کند؛ دولت های به اصطلاح دمکراتیک غرب نیز با پناه جویان افغان رفتار غیرانسانی دارند و حق پناهندگی آن ها را به رسمیت نمی شناسند صرفاً به این دلیل که نیروهای سرکوبگرشان در افغانستان حضور دارند.

سازمان ملل در تازه ترین گزارش خود، نسبت به وضعیت زنان در افغانستان ابراز نگرانی کرده است و دولت را در تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان ناکام خوانده است. تهیه کنندگان این گزارش، دولت و نهادهای قضائی را متهم کرده اند که برای همگانی شدن قانون منع خشونت علیه زنان تلاش نکرده اند. در گزارش گفته شده است که آمار و ارقام رسمی و جامع در مورد شماری از قضایای خشونت علیه زنان در افغانستان وجود ندارد و اکثر رویداد ها حتی گزارش نمی شود.

براساس این گزارش اکثر مورد های خشونت علیه زنان به صورت رسمی ثبت نمی شود و بسیاری هم در دادگاه ها (شوراها) محلی بررسی می شود؛ که با هیچ استاندارد حقوقی برابری نمی کند. در این گزارش، اشاره شده تا زمانی که زنان و دختران در معرض خشونت های بدون پیگرد قرار بگیرد و حقوق شان نقض گردد؛ پیشرفت هدف مند و پایدار حاصل نمی شود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هم می گوید، در دو ماه اول سال ۱۳۹۱، نسبت به زمان مشابه سال گذشته، میزان خشونت علیه زنان در افغانستان افزایش یافته است. به گفته این کمیسیون، در جریان این دو ماه ۹۶۰ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت کرده اند. آن چه میزان رو به افزایش خشونت علیه زنان در افغانستان خوانده می شود، کمیسیون مستقل حقوق بشر این کشور را به شدت نگران ساخته است.

تبعیض و خشونت علیه زنان در سطح جامعه افغانستان و خانواده پیامدهای خطرناکی هم چون خودکشی، خودسوزی، قتل، اقدام به قتل، فرار از منزل و اعتیاد به مواد مخدر از مهمترین مواردی است که در گزارش کمیسیون حقوق بشر به آن ها به عنوان پیامدهای خشونت علیه زن، اشاره شده است. آمار منتشر شده توسط این کمیسیون، نشان می دهد که از مجموع قضایائی که به عنوان پیامدهای ناگوار اعمال تبعیض و خشونت علیه زن به ثبت رسیده است، ۶ درصد مربوط به خودکشی، ۹ درصد مربوط به خودسوزی، ۷ درصد مربوط به قتل، ۱۵ درصد مربوط به اقدام به قتل، ۱۴ درصد مربوط به تریاک خوردن، ۲۲ درصد مربوط به فرار از منزل و ۲۷ درصد مربوط به اعتیاد به مواد مخدر می باشد.

«ثریا صبحرنگ»، مسؤول بخش حمایت از زنان در کمیسیون حقوق بشر، معتقد است:

«با گذشت این ده سال و با سقوط طالبان و تأسیس نظام جدید خشونت در کشور ما هم چنان در اوج خود قرار دارد که عوامل مختلفی دارد اما متداول ترین شکل خشونت خانوادگی هست که فعلاً متأسفانه جریان دارد. با این حال چون مردم و بیش تر زنان در مورد حقوق شان آگاهی پیدا کردند و یک آدرس پیدا کردند که به آن جا باید شکایت کنند و هم چنان آزادی بیان و مطبوعات در افغانستان هست که از طریق رسانه ها این خشونت انعکاس پیدا می کند. این ۹۶۰ موردی که من گفتم در هر قضیه می تواند ۳ یا ۴ نوع مورد از خشونت باشد یعنی ۹۶۰ مورد خشونت را ما ثبت کردیم به هر صورت در رابطه با مشارکت سیاسی زنان دستاوردهائی داریم یعنی نسبت به گذشته تغییرات بسیار خوبی ایجاد شده است ولی نه به نسبت آنچه که باید صورت می گرفت.» براساس گزارشات رسمی، هنوز ۸۰ درصد از دواج ها در افغانستان اجباری است.

از سوی دیگر، نیروهای امنیتی افغانستان و هم چنین نیروهای خارجی مستقر در این کشور، برخورد خشونت آمیزی با مردم این کشور دارند به طوری که پولیس قندهار در چندین مورد به شکنجه و کشتارهای غیرقانونی متهم شده است. در زندان ها، با زندانیان شدیداً بد رفتاری می شود و شکنجه اعمال می گردد. در تحقیقات و بررسی ها، همواره در مورد بد رفتاری و شکنجه توسط نیروهای امنیتی، توقیف و حبس خودسرانه؛ حبس درازمدت، فساد قضائی و هم چنین محدودیت بالای آزادی بیان و آزادی مطبوعات هشدار داده می شود. در افغانستان تبعیض جنسی، بد رفتاری با اقلیت ها، قاچاق انسان، تبعیض اجتماعی، نقض حقوق کارگران، کار اجباری و شاقه به ویژه کار کودکان و بد رفتاری با آن ها، در سطح گسترده ای در جریان است.

در چنین شرایطی، طالبان بر بخش چشم گیری از افغانستان تسلط دارد به طوری که در سال گذشته هم نمایندگان حکومت امریکا و هم حکومت افغانستان، مذاکرات مستقیم با گروه های مخالف شان را آغاز کرده اند. برای مثال، دولت قطر با مشورت حکومت امریکا، میزبان مذاکرات طالبان و امریکا بود. امریکائی ها، سعی کردند با سران طالبان و حزب اسلامی به توافق برسند. دولت کرزی نیز در مقابل طالبان پرچم سفید بالا برده و هیاهوی صلح به راه انداخته است.

به این ترتیب، طی بیش از یک دهه جنگ ناتو و امریکا و دولت کرزی علیه تروریسم، نتیجه اش به مذاکره و صلح با تروریست ها انجامیده است. اما متأسفانه در این میان، میلیون ها شهروند افغان، جان خود را از دست داده اند؛ معلول و زخمی و یا در کشورهای مختلف جهان آواره شده اند؛ و یا با فلاکت و بدبختی اقتصادی و امنیتی روزافزون دست و پنجه نرم می کنند.

همه این واقعیت ها، به سادگی اثبات می کنند که پناه جویان افغان به هر کشوری، از کشورهای منطقه گرفته تا غرب خودشان را می رسانند مسلماً باید از حق پناهندگی برخوردار باشند! اما متأسفانه چنین نیست. از حکومت های جانی حکومت اسلامی ایران و حکومت اسلامی پاکستان گرفته تا حکومت های به اصطلاح دموکراتیک غرب، این حق سیاسی و انسانی و اجتماعی پناه جویان افغان را زیر پا می گذارند و حتی اهمیتی به قوانین پناهندگی که خود زیر پایش امضاء گذاشته اند، قایل نیستند.

هم چنین «صدای مردم برای تأمین عدالت»، عنوان گزارش ۵۰۰ صفحه ای کمیسیون مستقل حقوق بشر به رئیس جمهور این کشور، در سال ۱۳۸۳ است. این گزارش که سازمان ملل متحد نیز از آن حمایت کرده است، بر اساس نظرخواهی از بیش از چهار هزار شهروند افغان در داخل و خارج کشور تهیه شده است. سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر هنگام ارائه این گزارش به حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان گفت که آن ها وظیفه خود را انجام داده اند و اکنون دولت باید برای تحقق خواسته های مردم اقدام کند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید که حدود هفتاد درصد از پرسش شوندگان در این گزارش، خود را قربانی نقض حقوق بشر و جنایات جنگی می دانند. به نوشته تهیه کنندگان گزارش، نود درصد مردم افغانستان خواهان برکناری نقض کنندگان حقوق بشر از مقام های دولتی و رسمی هستند. بر اساس این گزارش موارد نقض حقوق بشر شامل شکنجه، اعدام بدون محاکمه، تجاوز جنسی، قتل عام و بمباران غیرنظامیان در دهه های جنگ داخلی و اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق در دهه هشتاد میلادی می شود.

بر اساس گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان، ۶۳ درصد مردم بر این باورند که جنگ های داخلی کشورشان، مبنای قومی نداشته است، بلکه فرماندهان داخلی و قدرت های خارجی، از جمله ایران و پاکستان، به مسایل قومی دامن زده اند. ۶ درصد از پرسش شوندگان نیز گفته اند که محاکمه جنایت کاران جنگی به ایجاد ثبات و امنیت کمک

خواهد کرد. رئیس جمهور افغانستان، هنگام دریافت گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت که گزارش مورد پذیرش دولت است.

لویز آربر، کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر که برای اعلام پشتیبانی از گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان به کابل سفر کرده بود نیز در مراسم تقدیم گزارش به رئیس جمهور افغانستان شرکت داشت. خانم آربر گفت: «بررسی موارد تخلف در گذشته و حال نکته مهمی است، تا آن هائی که حقوق بشر را پامال کرده اند دیگر قادر به ماندن در قدرت نباشند. برای بقای صلح و ثبات در کشور باید یک نظام قضائی مناسب وجود داشته باشد و به تمام اعمال ناروائی که انجام شده پیوسته و به صورت قانونی رسیدگی شود.»

کمیسیون عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر، هم چنین تأکید کرد که اکنون افغان ها این واقعیت را دریافته اند که باید به ادامه نقض حقوق شان پایان داده شود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید که گزارش اخیرش را، در نتیجه دو سال پژوهش و بررسی در مورد جنایات ضد انسانی در سه دهه گذشته افغانستان تهیه کرده و منتشر کرده است.

اما دولت کرزی که با حمایت نیروهای خارجی و در رأس همه امریکا، به قدرت رسیده است به لحاظ اقتصادی نیز یکی از فاسدترین دولت های جهان است. دولت او، علاوه بر این که رسماً از بسیاری دولت ها و نهادهای سرمایه داری بین المللی کمک و وام های کلان می گیرد؛ خود کرزی و یا وزرایش بارها اقرار کرده اند که مخفیانه از جمله از حکومت اسلامی ایران، سازمان سیا و... پول می گیرند. براساس آمارهای ارائه شده از سوی مسؤولان بانک مرکزی کشور تنها در سال گذشته (۱۳۹۰) بیش تر از چهار میلیارد و هفت صد هزار دالر از طریق میدان هوائی کابل به خارج از کشور انتقال یافته است.

اخیراً روزنامه امریکائی نیویورک تایمز گزارش داد، بیش از یک دهه است که سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) دهها میلیون دالر به صورت نقدی در اختیار دفتر ریاست جمهوری افغانستان قرار داده است. به گزارش خبرگزاری رویترز، مقامات امریکا اعلام کردند، این مبلغ موسوم به «پول شیطانی» که به منظور کسب نفوذ برای سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) به دولت افغانستان پرداخت شده، در اصل منجر به افزایش فساد، قدرت گرفتن جنگ سالاران و تضعیف ستراتیژی خروج و اشنگتن از افغانستان شده است.

«حامد کرزی» رئیس جمهور افغانستان، تأیید کرد که دفتر وی طی ۱۰ سال گذشته مبالغی را از سازمان اطلاعات مرکزی امریکا موسوم به سیا دریافت کرده است اما این مبالغ را کم توصیف کرد.

کرزی، پس از آن این موضوع را مطرح کرد که روزنامه امریکائی نیویورکتایمز، فاش کرد که سازمان سیا دهها میلیون دالر پرداخت های مخفیانه به دفتر ریاست جمهوری افغانستان داشته با بتواند نفوذ خود در این کشور را حفظ کند.

«نیویورکتایمز»، با اشاره به استناد گفته های مشاوران کنونی و سابق رئیس جمهور افغانستان مدعی شد که سازمان اطلاعات مرکزی امریکا موسوم به «سیا» در یک دهه گذشته دهها میلیون دالر پول نقد در چمدان، کوله پشتی و کیسه های خرید به دفتر «حامد کرزی» رئیس جمهور افغانستان فرستاده است.

حامد کرزی، در جمع خبرنگاران هلسینکی - فنلاند، گفت: بله، دفتر امنیت ملی طی ۱۰ سال گذشته حمایت هائی را از امریکا دریافت کرده است. این مبالغ ماهانه بوده و مقدار زیادی نبوده و برای اهداف مختلفی استفاده می شده است.

«خلیل رومن» که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ به عنوان رئیس دفتر کرزی خدمت کرده به روزنامه نیویورک تایمز گفت: ما این پول را «پول شیطانی» نامیدیم. این پول به صورت مخفیانه وارد و خارج می شد.

هم چنین به گزارش خبرگزاری فرانسه از کابل در سال ۱۳۸۹، حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان گزارش روزنامه نیویورک تایمز مبنی بر گرفتن چمدان های پول از حکومت تهران توسط رئیس دفتر خود را تأیید کرد، اما مدعی شد که این کار به صورت شفاف انجام گرفته است.

حامد کرزی که در یک کنفرانس مطبوعاتی به سؤال خبرنگاری در باره گزارش نیویورک تایمز پاسخ می داد، گفت، بله! سالی یکی دو بار کمک های نقدی حکومت تهران در چمدان برای ما ارسال می شود که کمک های رسمی است و به طور کاملاً شفاف صورت می گیرد.

رئیس جمهوری افغانستان که پس از دیدار با امام علی رحمان، رئیس جمهوری تاجیکستان در کاخ ریاست جمهوری افغانستان، با خبرنگاران صحبت می کرد، در جریان این کنفرانس خبری، با سؤال هائی در رابطه با گزارش نیویورک تایمز روبه رو شد.

کرزی در جواب به یکی از این سؤال ها گفت: «... کرزی گفت که ظرف نه سال اخیر، کشورهای متعددی به افغانستان پول نقد داده اند که ایران نیز از این جمع مستثنی نیست. کرزی، گفت: «ایران، سالی یک بار یا دو بار، گاهی پنج صد هزار، گاهی ششصد هزار یورو کمک می کند.» او، افزود: «این کمک، رسمی است و داوودزی، به امر من این پول را می گیرد.»

نیویورک تایمز، در گزارشی اعلام کرده بود که حکومت تهران برای گسترش نفوذ خود در افغانستان، به رئیس دفتر حامد کرزی، چمدان های پر از پول داده است.

این روزنامه نوشت، سفیر حکومت اسلامی در افغانستان، پول های زیادی را در اختیار یکی از مقامات حکومتی در کابل قرار می دهد و این پول ها در راه خرید سیاست مداران افغان، پرداخت به شورشیان طالبان و سنگ اندازی در مأموریت ناتو در افغانستان صرف می شود.

نیویورک تایمز نوشت، در اوایل سال جاری (میلادی) احمدی نژاد به دعوت کرزی به افغانستان آمد و سخنرانی پرحرارتی در انتقاد از امریکا در کابل ایراد کرد. وقتی احمدی نژاد، به کابل آمد با دو چمدان پر پول بود که یکی از آن ها تقدیم عمر داودزی، رئیس دفتر کرزی و دیگری به کاخ ریاست جمهوری افغانستان تقدیم شد.

در این گزارش به نقل از دیپلمات ها و مقام های افغان که نخواستند نامی از آن ها برده شود گفته شده که تقریباً در دولت افغانستان همه می دانند که داودزی «آدم جمهوری اسلامی» است و از تهران پول می گیرد و بخشی از این پول ها را در اختیار کرزی قرار می دهد.

نیویورک تایمز می نویسد، در بعدازظهر یکی از روزهای اواخر ماه اگست ۲۰۱۰، هنگامی که هواپیمای خصوصی رئیس جمهوری افغانستان روی باند فرودگاه تهران آماده پرواز به سمت کابل بود هواپیما به دلیل دیر رسیدن یک مسافر مدتی تأخیر داشت و آن مسافر فدا حسین مالکی سفیر جمهوری اسلامی در کابل بود. مسافر تأخیری بالاخره رسید و هنگامی که وارد کابین شد یک راست در مقابل صندلی عمر داودزی رئیس دفتر کرزی و یکی از نزدیک ترین و معتمدترین مشاوران او نشست.

طبق گفته یک مقام افغان که در آن موقع در هواپیما حضور داشت سفیر جمهوری اسلامی کیسه پلاستیکی متورمی از بسته های اسکناس یورو را به داودزی داد. یک مقام دیگر افغان که او نیز در هواپیما حضور داشت تأیید کرده است که آن روز داودزی کیسه ای را که از سفیر جمهوری اسلامی دریافت کرده بود به خانه اش برد.

در ادامه این گزارش آمده: این پول های پرداختی جمهوری اسلامی که بالغ بر میلیون ها دالر می شود، یک منبع مالی بی حساب و کتاب است که برای خرید سیاست مداران و نمایندگان پارلمان افغانستان، رهبران قبیله ئی این کشور و حتی برخی فرماندهان طالبان از سوی کرزی هزینه می شود.

یک مقام غربی در افغانستان می گوید: «مأموریت داودزی پیش برد منافع جمهوری اسلامی در این کشور است.» یک مقام ناتو در کابل نیز می گوید که حکومت ایران برای افزایش نفوذ سیاسی خود در افغانستان و نیز ضایع کردن مأموریت امریکا و ناتو در افغانستان تلاش می کند.

بی بی سی در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۴، در رابطه واکنش امریکا به اقرار کرزی در گرفتن پول از ایران، نوشت: فیلیپ کراولی، سخن گوی وزارت امور خارجه امریکا، در واکنش به این اظهارات گفته است که کشورش به طور اصولی، حق ایران برای اعطای کمک مالی به افغانستان یا حق دولت افغانستان برای دریافت کمک مالی از ایران را زیر سؤال نمی برد.

اما او در جمع خبرنگاران در واشنگتن، تأکید کرد که افغان ها باید بتوانند که «بدون اعمال نفوذ منفی» کشورهای همسایه، آینده خود را رقم بزنند. او، افزود: «ما امیدواریم که ایران مسؤولانه عمل و در آینده افغانستان نقش سازنده ای ایفاء کند.»

این مقام وزارت امور خارجه، هم چنین تأیید کرد که دولت امریکا در گذشته در مواردی در قالب وجه نقد به دولت افغانستان کمک کرده، زیرا این کشور نظام بانکی ضعیفی داشت.

او گفت که اکثر کمک های جاری امریکا به دولت افغانستان، از طریق مؤسسه های مالی و بانک ها انجام می شود و اما گفت نمی تواند تأیید کند که تمام این کمک ها از طریق بانک ها به دولت حامد کرزی می رسد.

سازمان شفافیت بین المللی در گزارش ۲۰۱۲ خویش، افغانستان را در زمره فاسدترین کشورهای جهان قرار داده است. در این گزارش، افغانستان در مقام ۱۷۴ ام قرار داده شده و در ردیف کشور های دارای پائین ترین میزان شفافیت قرار گرفته است.

در این گزارش کشورهای همسایه افغانستان، یعنی ایران و پاکستان نیز از وضع چندان خوب شفافیت برخوردار نمی باشند. زیرا ایران در مقام ۱۳۳ ام و پاکستان در مقام ۱۳۹ ام قرار داده شده اند.

در سال ۱۳۵۹ ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق، افغانستان را به اشغال خود در آورد، میلیون ها افغان اجباراً به کشورهای دیگر از جمله ایران گریختند. از آن تاریخ تاکنون، افغان های مقیم ایران از یک سو، به نیروی کار ارزان و سخت کوش سرمایه داران ایرانی تبدیل شده اند و شدیدتر از هم طبقه ای های ایرانی خود، استثمار شده اند و از سوی دیگر، در طول هشت سال جنگ ویران گر ایران و عراق به جبهه های جنگ فرستاده شده اند؛ آن موقع افغان ها از سوی سران و مقامات و سخنگویان و رسانه های حکومت اسلامی «برادر» خطاب می شدند. چرا که از نیروی آن ها در پیش برد سیاست های جنگی شان، بهره می گرفتند. اما پس از پایان جنگ، آهسته آهسته این برادران، با عنوان هائی چون مهاجران «غیرقانونی» و «خلاف کار» و عامل «بی کاری» معرفی شدند. حکومت اسلامی ایران و رسانه هایش و خانه کارگر و شوراهای اسلامی اش، بسیاری از اتفاقاتی که در جامعه روی می دهد به افغان ها نسبت می دهند و شنیع تر از همه، آن ها را عامل بی کاری در ایران معرفی می کنند. در حالی که در جامعه ایران، رقمی در حدود هشت تا ده میلیون نفر بی کار است از این رو، بی کاری گسترده در جامعه ایران، هیچ ربطی به افغان های مقیم ایران ندارد و عامل اصلی آن، خود حکومت اسلامی است. فرض کنیم در ایران بیش

از یک میلیون افغان زندگی می کنند اکثریت آن ها را کودکان و زنان و سالمندان تشکیل می دهند که جایی در بازار کار ایران ندارند.

هم چنین بر اساس قوانین بین المللی، اصولاً کسانی که دارای اقامت و کار در یک کشوری هستند اغلب پس از ۴ سال، حق تابعیت به آن ها تعلق می گیرد. در حالی که بسیاری از افغان های مقیم ایران، حتی قبل از سرنگونی حکومت پهلوی و به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، به ایران آمده اند و با دست رنج خود زندگی شان را چرخانده اند اکنون حکومت اسلامی، حتی به فرزندان آن ها شناسنامه صادر نمی کند و زندگی شان بی رحمانه ویران می کند! این کودکان از هرگونه حق و حقوق کودکی و انسانی محروم اند. بنابراین، حکومت اسلامی ایران، به راحتی زندگی میلیون ها افغان در ایران را در روز روشن ویران می کند و آن ها را به زور سرنیزه به جنگ و جهنم افغانستان می فرستند. چنین سیاستی وحشیانه و غیرانسانی و فاشیستی است و باید از سوی افکار عمومی متمدنی ایران و جهان و در پیشاپیش همه طبقه کارگر ایران موظف است جلو اخراج افغان های مقیم ایران و کشتار کارگران افغان در مرزها را بگیرد و اجازه ندهد هم طبقه ای هایش قربانی سیاست های وحشیانه حکومت اسلامی شود!

در این جا، تأکید به یک مسأله را مهم و ضروری می دانم و آن هم جلب توجه طرفداران آن بخش از اپوزیسیون ایرانی، که رهبران آن ها در تلاشند تا سیاست های خود را علنی و یا در پشت درهای بسته، با سیاست های امریکا در منطقه هماهنگ کنند و عشق و آرزوی کرزی و مالکی شدن و... دارند با چشم باز به واقعیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فجایع انسانی افغانستان اشغال شده توسط ناتو و در رأس همه امریکا بنگرند شاید از طرفداری این گونه جریانات دست بردارند.

اکنون جامعه ایران، آستان حوادث مختلفی است. حکومت اسلامی، با بحران های فزاینده و عمیق روبرو است که آن را به مرحله فروپاشی نزدیک می کنند. بنابراین، حکومت جهل و جنایت و ترور و سانسور اسلامی، باید با قدرت و همبستگی کارگران و مردم آزاده از جمله با حضور فعال افغان های مقیم ایران، سرنگون گردد تا همه ساکنین ایران، با برخورداری کامل از آزادی بیان و اندیشه و تشکل و حقوق برابر، مستقیماً سرنوشت آینده جامعه شان را به دست خویش رقم بزنند نه با جنگ و کشتار و ویرانی نیروهای خارجی مانند عراق، افغانستان، لیبیا و... نهایتاً، کشتار کارگران مهاجر افغان در مرزهای ایران توسط مزدداران حکومت اسلامی، جنایت آشکار علیه بشریت و زیر پا گذاشتن تمام معیارهای انسانی و قوانین جهان شمول در سطح بین المللی است از این رو، باید شدیداً و بدون کمترین ملاحظه ای این جنایت حکومت اسلامی، محکوم گردد! باید از حق پناهندگی افغان ها در ایران دفاع کرد. به ویژه افغان های مقیم ایران، باید از حق شهروندی در این کشور برخوردار گردند و به هیچ عذر و بهانه ای نباید گذاشت حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، این انسان های رنج دیده و ستم کشیده و آزاده را به زور به جنگ و جهنم و تروریسم افغانستان برگرداند!

پنج شنبه بیست و ششم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۲ - شانزدهم می ۲۰۱۳